MEJDS. 2020; 10:90.
Published online 2020 June **Research Article**

The Attitude of Mothers of Children with Intellectual Disability

Mirzaei-Tabar F[1], *Arjmandnia AA[2], Afrooz GhA[3]

Author Address
1. PhD Student of Department of Psychology and Education for Exceptional Children, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran;
2. Associate Professor, Department of Psychology and Education for Exceptional Children, Faculty of Education and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran;
3. Distinguished Professor, Department of Psychology and Education for Exceptional Children, Faculty of Education and Psychology, University of Tehran, Tehran, Iran;
***Corresponding Author E-mail:** arjmandnia@ut.ac.ir

Received: 2019 March 9; **Accepted:** 2019 April 16

Abstract

Background and Objectives: Decreased rates of emotion regulation might be observed in children and adolescents with intellectual disability (ID) and their mothers. It is important to plan appropriate training programs for improving mothers' attitudes toward children and adolescents with ID. Parenting training programs could improve the mothers' attitudes toward children and adolescents with ID. This is because children and adolescents with ID encounter numerous challenges in emotional reactions. Therefore, the present study aimed to investigate the effects of the parenting training program on the attitude of the mothers of children with ID.

Methods: This was a quasi–experimental study with a pretest–posttest, and, a control group design. The study samples were 34 mothers of children with ID who aged 6–8 years. The sampling was conducted in the 2018–2019 academic year, in Tehran City, Iran. The study subjects were selected by random sampling method and were randomly assigned to the experimental and control groups. Each group consisted of 17 individuals. The study participants were from the middle socioeconomic class. The experimental group participated in a 12–session parenting training program (two 60–min weekly sessions). However, the control group received no intervention and remained on the waiting list. The applied instrument in this research was the Parenting Attitudes Questionnaire (PAQ) (Shoben, 1949). The PAQ was completed by the mothers of children with ID in pretest and posttest phases. Therefore, the required data were collected through the questionnaire before and after providing the training sessions. Multivariate Analysis of Covariance (MANCOVA) was used in SPSS to analyze the obtained data ($p<0.05$).

Results: Initially, the normality of the study variables and the contingency of variance and covariance assumptions were tested. The Kolmogorov Smirnov test data suggested that all variables were normally distributed. Moreover, Box test results confirmed the contingency of variance–covariance assumption. Accordingly, the MANCOVA assumptions were established, and MANCOVA could be used for data analysis. The MANCOVA results revealed a significant difference in the posttest scores of the experimental and control groups concerning the mothers' attitudes toward their children with ID ($p<0.001$). The MANCOVA results also indicated that the parenting training program had a significant and positive effect on the investigated mothers' attitudes toward their children with ID. The Parenting training program improved the studied mothers' attitudes toward their children with ID. Furthermore, the obtained data revealed that the parenting training program significantly impacted all subscales of mothers' attitudes (domineer, sever dependency, & indifference) toward their children with ID ($p<0.001$). According to Eta squared, 59%, 61%, and 65% of variations in components, such as domineer, sever dependency, and indifference, respectively, could be explained by the participation of the mothers of children with ID in the parenting training program.

Conclusion: The parenting training program improved the attitude and its subscales (domineer, sever dependency, & indifference) in the mothers of children with ID. This could be because the parenting program is related to subjective well–being and an individual's affective experiences, which influences individuals' attitudes. As a result, training this program could crucially affect the attitude of the mothers of children with ID.

Keywords: Children with intellectual disability, Parenting, Mothers' attitude.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۹؛ (۱۰):۹۰.

انتشار برخط خرداد ۱۳۹۹ مقاله پژوهشی اصیل

اثربخشی آموزش برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی

فرزانه میرزایی‌تبار[۱]، *علی‌اکبر ارجمندنیا[۲]، غلامعلی افروز[۳]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران؛

۳. استاد ممتاز گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکدهٔ روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** arjmandnia@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۸ اسفند ۱۳۹۷؛ **تاریخ پذیرش:** ۲۷ فروردین ۱۳۹۸

چکیده

زمینه و هدف: واکنش‌های هیجانی نامناسب در کودکان و نوجوانان دارای ناتوانی هوشی منجربه بروز مشکلات نگرشی در مادران آن‌ها می‌شود. پژوهش حاضر به‌منظور بررسی اثربخشی آموزش برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی در شهر تهران انجام شد.

روش‌بررسی: پژوهش حاضر، مطالعه‌ای نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه گواه بود. نمونهٔ پژوهش ۳۴ نفر از مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی در دامنهٔ سنی ۶تا۸ سال در سال تحصیلی ۹۸ـ۱۳۹۷ بودند که به‌شیوهٔ نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شده و با انتصاب تصادفی در دو گروه ۱۷نفری آزمایش و گواه جایدهی شدند. گروه آزمایش در دوازده جلسه آموزش برنامهٔ فرزندپروری به‌صورت هفته‌ای دو جلسه و هر جلسه ۶۰ دقیقه شرکت کرد؛ درحالی‌که به گروه گواه این آموزش ارائه نشد و در لیست انتظار ماند. ابزار استفاده‌شده در این پژوهش پرسشنامهٔ نگرش‌های فرزندپروری والدین (شاپین، ۱۹۴۹) بود. داده‌ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری در سطح معناداری ۰/۰۵ تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیری نشان داد که گروه‌های آزمایش و گواه در نگرش مادران به کودکان دارای ناتوانی هوشی در مرحلهٔ پس‌آزمون تفاوت معناداری دارند و آموزش برنامهٔ فرزندپروری اثر مثبت و معناداری بر نگرش مادران کودکان با ناتوانی هوشی داشته است ($p<۰/۰۰۱$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش، استفاده از برنامهٔ فرزندپروری با نتایج مثبت و مؤثری همراه بوده است. برنامهٔ فرزندپروری به بهزیستی فردی و تجربه‌های عاطفی شخصی وابسته بوده و بر نگرش افراد تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین، به‌نظر می‌رسد آموزش این برنامه نقش مهمی در نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی ایفا کند.

کلیدواژه‌ها: کودکان دارای ناتوانی هوشی، فرزندپروری، نگرش مادران.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

۱ مقدمه

یکی از عوامل مهم در ایجاد و گسترش تسهیلات آموزش و پرورش کودکان استثنایی[1]، گسترش اطلاعات و آگاهی روزافزون و احساس مسئولیت والدین درقبال این کودکان است (۱). تولد و حضور کودک دارای ناتوانی هوشی[2] می‌تواند آثار نامطلوبی بر خانواده و اعضای آن و روابط خانوادگی بر جای گذارد و به عملکرد خانواده آسیب رساند و درنهایت منجربه بروز مشکلاتی در آن شود (۲،۳)؛ چراکه مشکلات رفتاری کودکان در سال‌های اولیهٔ زندگی با رفتار والدین رابطه‌ای دوسویه دارد (۴). درواقع، روابط عاطفی نزدیک برپایهٔ تعامل و پاسخ‌های اجتماعی دوجانبه شکل می‌گیرد و مشکلات رفتاری کودکان به‌ویژه در اولین سال‌های زندگی با نحوهٔ تعامل و رفتار والدین و همچنین نگرش[3] آن‌ها ارتباط دارد (۵،۶).

وجود فرزند دارای ناتوانی هوشی، خانواده را با مشکلات زیادی مواجه می‌سازد (۷)؛ زیرا با تأثیرگذاری بر کمیت و کیفیت روابط والدین می‌تواند به سلامت عمومی و عملکرد خانواده آسیب رساند؛ ازاین‌رو، آگاه‌سازی والدین کودکان دارای ناتوانی هوشی دربارهٔ مشکلات فرزندانشان اهمیت ویژه‌ای دارد (۸،۹). ازآنجاکه دوران کودکی از مراحل مهم‌تر زندگی است و شخصیت فرد در این دوران پایه‌ریزی شده و شکل می‌گیرد دور از انتظار نیست که روابط والد ـ کودک از عوامل مهم‌تر مؤثر بر رشد روانی و اجتماعی هر کودکی محسوب شود (۱۰،۱۱)؛ بنابراین کیفیت روابط والد ـ کودک در سال‌های اولیهٔ کودکی، اساس رشد شناختی و اجتماعی و هیجانی آیندهٔ او را پایه‌گذاری می‌کند (۱۲).

در تحول برنامه‌های آموزشی برای کودکان دارای ناتوانی هوشی و خانواده‌های آن‌ها به تغییر نگرش در والدین و تعامل اجتماعی کودکان به‌جهت برخورداری از زندگی پویا توجه ویژه‌ای می‌شود (۱۳،۱۴). توجه به آموزش والدین کودکان آهسته‌گام، در دهه‌های اخیر به‌طور چشمگیری افزایش یافته است و برنامه‌های متنوع آموزش والدین، با تأکید بر کل نظام خانواده به‌وجود آمده‌اند (۱۵). در این برنامه‌ها، والدین در پرتو دستیابی به اطلاعات جدید می‌توانند مشکلات کودکان را بهتر درک کنند و ازطریق دریافت آموزش‌های لازم، به مهارت‌های مدیریت رفتار تجهیز شوند؛ متعاقب آن احساس خودکارآمدی در آن‌ها افزایش یابد (۱۶) و نیز منجربه بهترشدن نگرش مادران به فرزندان دارای ناتوانی هوشی گردد (۱۷،۱۸).

در برنامهٔ فرزندپروری بر افزایش دانش، مهارت، اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی و خوش فکری والدین در تربیت کودک تأکید شده است. در این برنامه به ارائهٔ درمان به‌وسیلهٔ یادگیری آموزشی و حل مسئله به‌واسطهٔ الگوپردازی و درمانگری ساختاریافتهٔ حل مسئله توجه خاصی شده و به گسترش سرگرمی، ایمنی، پرورش و ایجاد محیطی با حداقل تعارض برای کودکان توجه گردیده است (۱۹). یافته‌های پژوهش عاشوری و همکاران حاکی‌از اثربخشی برنامهٔ فرزندپروری مثبت بر سلامت روان مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی بود (۲۰). نتایج مطالعهٔ چراغی و همکاران نشان داد که آموزش نقش والدینی بر نگرش مادران دارای کودکان یک تا پنج‌ساله تأثیر درخورتوجهی دارد (۱۴). در پژوهش برزنجه عطری و همکاران مشخص شد که مداخلهٔ آموزشی بر نگرش و رفتار مراقبتی مادران مؤثر است (۱۷). وبستر ـ استراتون و رید در تحقیقی دریافتند که برنامهٔ فرزندپروری بر مشکلات رفتاری و تعامل و نگرش بهتر والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای تأثیر دارد (۵). نتایج پژوهش پالوسیسی[4] و همکاران بیانگر اثربخشی مثبت برنامهٔ آموزشی فرزندپروری جهت ارتقا و بهبود و اصلاح نگرش والدین بود (۸).

باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده در زمینهٔ میزان تأثیر برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی با پژوهش‌های اندکی مواجه هستیم و خلأ پژوهشی در این حوزه کاملاً آشکار است. بیشتر مطالعات صورت‌گرفته در این زمینه از نوع رابطه‌ای هستند و تاکنون پژوهشی به‌صورت مستقیم به ارزیابی تأثیر برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی نپرداخته است. با اندکی بررسی در میان پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان به این موضوع پی برد که احتمال می‌رود آموزش برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی تأثیر داشته باشد؛ ولی پژوهشی در این حوزه یافت نشد. امروزه به‌علت اهمیت ویژگی‌های روانی و رفتاری مادر در رشد کودک، به‌نظر می‌رسد حجم تحقیق‌ها و بررسی‌های معطوف به آموزش برنامهٔ فرزندپروری در این افراد به‌سرعت در حال فزونی باشد. باتوجه به آنچه عنوان شد چیزی که اهمیت این مطالعه و خلأ پژوهشی را در این حوزه آشکار می‌سازد بررسی تأثیر آموزش برنامهٔ فرزندپروری بر مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی است؛ زیرا به‌نظر می‌رسد برنامه‌های آموزش فرزندپروری که برپایهٔ اصول یادگیری اجتماعی بنا شده باشند به والدین می‌آموزند که چگونه می‌توانند تعامل مثبت‌تری با کودکان برقرار کنند و میزان رفتارهای منفی و تعارض‌های درونی خانواده را کاهش دهند. نوآوری پژوهش حاضر در اهمیت کار با مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی و ارزیابی تأثیر برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش آنان بود؛ بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی انجام شد.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر از نوع مطالعات نیمه‌آزمایشی بود که در آن از طرح پژوهشی پیش‌آزمون و پس‌آزمون با گروه گواه استفاده شد. جامعهٔ آماری را والدین کودکان دارای ناتوانی هوشی شهر تهران تشکیل دادند. نمونهٔ آماری شامل ۳۴ نفر از مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی ۶تا۸ ساله بود که به‌روش نمونه‌گیری دردسترس از مدارس شهید اصلانی و شهید صیاد شیرازی در شهر تهران در سال تحصیلی ۹۸ ـ ۱۳۹۷ انتخاب شدند. آزمودنی‌ها به‌صورت تصادفی در دو گروه ۱۷ نفری آزمایش و گواه قرار گرفتند. تحصیلات آن‌ها سیکل تا فوق‌لیسانس و دامنهٔ سنی ۳۰تا۴۵ سال بود. ملاک‌های ورود به پژوهش، میزان تحصیلات سیکل تا فوق‌لیسانس، داشتن فرزند دختر دارای ناتوانی هوشی در دامنهٔ

[1]. Exceptional child
[2]. Intellectual disability
[3]. Attitude
[4]. Palusci

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

سنی ۶تا۸ سال با بهرهٔ هوشی ۵۰تا۷۰ و مشغول به تحصیل در پایه‌های تحصیلی اول و دوم دبستان، وجودنداشتن هرگونه اختلال روان‌شناختی در مادران براساس خوداظهاری، تمایل به شرکت در پژوهش و زندگی با همسر و فرزندان بود. معیارهای خروج از مطالعه نیز استفاده از خدمات مشاوره و روان‌شناختی از سایر مراکز در حین اجرای پژوهش و غیبت بیش از یک‌جلسه در برنامهٔ مداخلاتی بود. به‌منظور رعایت اخلاق در پژوهش، از والدین آزمودنی‌ها رضایت‌نامهٔ کتبی اخذ گردید و به آن‌ها اطمینان داده شد که اطلاعات استخراج‌شده و نام آزمودنی‌ها به‌صورت محرمانه باشد؛ همچنین جهت حفظ اسرار شخصی و عدم تجاوز به حریم خصوصی شرکت‌کنندگان نتایج حاصل از مطالعه در سطح کلی گزارش شود تا برای پیشبرد اهداف پژوهش در اختیار روان‌شناسان و متخصصان و مدیران مراکز آموزشی قرار گیرد. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار زیر استفاده شد.

ـ پرسشنامهٔ سنجش نگرش‌های فرزندپروری والدین[1]: این پرسشنامه اقتباس‌شده از پرسشنامهٔ ارزشیابی نگرش والدین است که توسط شابین[2] در سال ۱۹۴۹ ساخته شد. فرم اولیهٔ پرسشنامهٔ سنجش نگرش‌های فرزندپروری والدین شامل ۸۵ سؤال بوده که بعدها تعدیل شده است. فرم حاضر توسط دروز و تی‌هن[3] در سال ۱۹۵۷ تنظیم گردید و توسط احمدی و همکاران در سال ۱۳۹۱ ترجمه و معرفی شد که ۳۰ سؤال لیکرتی پنج‌درجه‌ای (از کاملاً موافقم با نمرهٔ صفر تا کاملاً مخالفم با نمرهٔ چهار) دارد (۲۱،۲۲). مواد این پرسشنامه به سه مقیاس فرعی سلطه‌گری و وابستگی شدید و سهل‌انگاری تقسیم شده است. در این پرسشنامه نمرهٔ بیشتر، سلطه‌گری و وابستگی زیادتر و نمرهٔ کمتر، مسامحه و آزادی بیشتر را نشان می‌دهد. برای سنجش همسانی درونی آن از دو روش آلفای کرونباخ و دونیمه‌کردن استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۵۹، مقیاس سلطه‌گری ۰/۴۶، مقیاس وابستگی ۰/۲۱ و مقیاس سهل‌انگاری ۰/۲۷ می‌باشد. در روش دونیمه‌کردن، ضریب همبستگی برای کل آزمون ۰/۶۶، مقیاس سلطه‌گری ۰/۴۴، مقیاس وابستگی شدید ۰/۱۲ و مقیاس بی‌اعتنایی ۰/۲۱ است. همهٔ ضرایب به‌دست‌آمده به‌جز در مقیاس وابستگی شدید معنادار هستند (p=۰/۰۰۳). به‌منظور سنجش روایی پرسشنامهٔ سنجش نگرش‌های فرزندپروری از روش روایی هم‌زمان استفاده شده است: بدین‌طریق که برای هریک از مقیاس‌های فرعی یک‌سؤال که دربرگیرندهٔ محتوای تمامی سؤالات آن مقیاس بوده، به‌عنوان سؤال ملاک تهیه گردید؛ سپس ضریب همبستگی بین میانگین پاسخ سؤالات هریک از مقیاس‌های فرعی با ملاک مربوط محاسبه و به‌عنوان ضریب اعتبار در نظر گرفته شد. این ضرایب برای کل مقیاس ۰/۵۵، برای مقیاس سلطه‌گری ۰/۳۹، برای مقیاس وابستگی شدید ۰/۳۰ و برای بی‌اعتنایی ۰/۳۰ به‌دست آمد که همهٔ ضرایب حاصل معنادار بودند (p<۰/۰۰۱) (۲۲).

برنامهٔ آموزش فرزندپروری براساس الگوی برنامهٔ فرزندپروری مثبت تلگن و ساندرز[4] (۱۵) و برنامهٔ فرزندپروری مثبت عاشوری و همکاران آموزش داده شد که روایی و پایایی زیادی دارد (۲). اهداف این برنامه عبارت است از: بررسی برنامهٔ فرزندپروری؛ مفاهیم اساسی برنامهٔ فرزندپروری (اصلاح روابط و نگرش، سبک‌های فرزندپروری، مدیریت رفتار، بخشش و حل مسئله، فرزندپروری اسلامی). برنامهٔ آموزش فرزندپروری توسط پژوهشگر اول در دوازده جلسهٔ آموزشی ۶۰دقیقه‌ای در طول شش هفته و هفته‌ای دو جلسه به‌صورت گروهی آموزش داده شد. محتوای جلسات آموزشی برای گروه آزمایش در جدول ۱، ارائه شده است. برای آموزش از روش‌های سخنرانی، توضیحی، پرسش و پاسخ و نیز برای آموزش مفاهیم از فیلم و پاورپوینت استفاده شد.

جدول ۱. محتوای جلسات برنامهٔ فرزندپروری

جلسات	عنوان	هدف	محتوا
۱	معرفی	کودک و سلامت روانی	معرفی برنامه، ویژگی‌های کودکان دارای ناتوانی هوشی، خودکارآمدی، کاهش اضطراب و افسردگی، بهبود کفایت فردی و خانوادگی، خودارزش‌مندی، اعتمادبه‌نفس، ارتقای کارکرد اجتماعی.
۲	زندگی خانوادگی	رضایت همسر	ابراز کلامی احساسات، درک همسر و خیرخواهی، رضایت متقابل و نیازهای جنسی، رفتار شخصی و ارتباطی و اجتماعی، امور مالی و فعالیت‌های اقتصادی، احساس و رفتار مذهبی، اوقات فراغت، تعامل.
۳	برقراری ارتباط	اصلاح روابط و نگرش	نقش خانواده در تربیت فرزندان، آموزش راهبردهای ارتباط مثبت با کودک، تعریف نگرش، مؤلفه‌های اصلی نگرش، چگونگی شکل‌گیری نگرش، اصلاح باورها و نگرش‌ها.
۴	شخصیت	ارتقای تحول و تکریم	مهارت‌آموزی به کودک و بهبود رابطهٔ والدین، نیازهای حیاتی (نیاز به تعلق، احساس توانایی، نیاز به مهم‌بودن و دلگرمی)، وحدت شخصیت انسان، علاقهٔ اجتماعی، دلگرمی.
۵	فرزندپروری	سبک‌های فرزندپروری	معرفی سبک‌های فرزندپروری با تأکید بر ویژگی‌ها و انتظارات فرزندان، آموزش سازگارکردن کودکان و کنترل آن‌ها، ارائهٔ راهکارهایی به‌منظور بقای خانواده.

[1]. Parenting Attitudes Questionnaire
[2]. Shoben
[3]. Drews & Teahan
[4]. Tellegen & Sanders

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

۶	اصلاح رفتار	مدیریت رفتار کارآمد	روش‌های افزایش رفتار مطلوب، روش‌های ایجاد رفتار مطلوب.
۷	اصلاح رفتار	مدیریت رفتار کارآمد	روش‌های نگهداری و گسترش رفتار مطلوب، چالش‌ها و راهکارهای چگونگی کنترل رفتارهای کودک، تأثیر ناخواسته و متقابل رفتارهای والدین فرزندان.
۸	اصلاح رفتار	مدیریت رفتار ناکارآمد	روش‌های مثبت و منفی کاهش یا حذف رفتارهای نامطلوب، ایجاد انگیزش.
۹	اصل کل‌گرایی	کل‌گرایی	اصل کل‌گرایی و مفهوم نظام خانواده به‌عنوان کل سازمان‌یافته با بخش‌های وابسته به‌هم، تأکید بر اصل کلیدی مشکلات والدین به‌عنوان تهدیدی مهم برای یکپارچگی کل خانواده.
۱۰	آسیب‌شناسی	خانوادهٔ سالم	آسیب‌شناسی خانواده در بستر ارزش‌های فرهنگی، توجه به نیازهای همه‌جانبهٔ همسر و فرزندان، تربیت فرزندی صالح و سالم، تأکید بر صداقت، امیدبخشی، اعتمادسازی و فطرت پاک انسان.
۱۱	بخشش	بخشش و حل مسئله	آموزش بخشش، آموزش تحسین کودکان با رویکرد حل مسئله، فرزندپروری در بستر ارزش‌های فرهنگی، زن و شوهر ارکان اصلی خانواده و خانواده بهترین مکان فرزندپروری.
۱۲	اهمیت خانواده	فرزندپروری اسلامی	اهمیت خانواده و فرزندپروری براساس آموزه‌های دینی، دوست‌داشتن یکدیگر و بعد اندیشهٔ فرزندپروری و همدلی در فرزندپروری، الگوی مطلوبی برای رشد شخصیت فرزندان بودن و روابط عاطفی و عقلانی با آن‌ها، جمع‌بندی برنامه.

برای انجام پژوهش از مدیریت آموزش‌وپرورش استثنایی شهر تهران، معرفی‌نامه دریافت شد و با مدیریت محترم مدارس شهید اصلانی و شهید صیاد شیرازی هماهنگ گردید. در اولین مرحلهٔ پژوهش، در جلسه‌ای توجیهی برای آزمودنی‌ها، ضمن تشریح اهداف مطالعه از آن‌ها خواسته شد تا رضایت‌نامهٔ کتبی را جهت شرکت در پژوهش تکمیل کنند.

پس از اجرای برنامهٔ مداخلاتی، با استفاده از پرسشنامهٔ سنجش نگرش‌های فرزندپروری والدین از هر دو گروه آزمایش و گواه، پس‌آزمون گرفته شد. به‌منظور رعایت ملاحظات اخلاقی پژوهش نیز پس از اتمام آن کارگاه آموزشی برنامهٔ فرزندپروری به‌مدت دو روز برای گروه گواه برگزار گردید. داده‌های به‌دست‌آمده قبل و بعد از مداخله برای هر دو گروه با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیری در سطح معناداری ۰/۰۵ تجزیه‌وتحلیل شد. جهت تحلیل داده‌ها نسخهٔ ۲۳ نرم‌افزار آماری SPSS به‌کار رفت.

۳ یافته‌ها

یافته‌های توصیفی حاکی‌از سن آزمودنی‌ها در گروه آزمایش با میانگین و انحراف استاندارد ۴۳/۵۶ و ۳/۱۵ سال و در گروه گواه با میانگین و انحراف استاندارد ۴۳/۲۱ و ۳/۲۴ سال بود و بین دو گروه آزمایش و گواه از نظر سن تفاوت معناداری وجود نداشت. میانگین و انحراف معیار خرده‌مقیاس‌های نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی در دو گروه آزمایش و گواه در موقعیت پیش‌آزمون و پس‌آزمون در جدول ۲ ارائه شده است. مفروضهٔ نرمال‌بودن توزیع داده‌ها در همهٔ متغیرها با استفاده از آزمون آماری کولموگروف‌اسمیرنوف بررسی و تأیید گردید. به‌منظور تعدیل و حذف اثر پیش‌آزمون و به‌علت وجود یک‌متغیر مستقل (برنامهٔ آموزش فرزندپروری) و یک‌متغیر وابسته (نگرش با سه خرده‌مقیاس) از آزمون آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. برای تعیین تأثیر برنامهٔ آموزش فرزندپروری بر خرده‌مقیاس‌های نگرش (سلطه‌گری و وابستگی شدید و سهل‌انگاری)، آزمون ام‌باکس فرض همگنی واریانس‌ـ کوواریانس را تأیید کرد (MBoxs =۱۳/۷۴ و p=۰/۱۵). مفروضهٔ شیب خط رگرسیون برای متغیرها و خطی‌بودن رابطهٔ متغیرها نیز برقرار بود. آزمون کرویت‌بارتلت وجود همبستگی را بین متغیرهای وابسته نشان داد (x^2=۷/۲۱ و p<۰/۰۰۱). نتایج آزمون لون نیز برقراری فرض همگنی واریانس‌ها را در همهٔ متغیرها تأیید کرد (p>۰/۰۵)؛ بنابراین مفروضه‌های آزمون آماری تحلیل کوواریانس چندمتغیری برقرار بود. پیش‌فرض آماری بزرگ‌ترین ریشهٔ روی نشان داد که تفاوت نمرات متغیرهای سلطه‌گری و وابستگی شدید و سهل‌انگاری در گروه‌های آزمایش و گواه معنادار است (p<۰/۰۰۱ و F=۴/۶۸)؛ بنابراین دو گروه آزمایش و گواه حداقل در یکی از متغیرها تفاوت معناداری داشته و آنالیز کوواریانس معنادار است. به‌منظور پی‌بردن به این تفاوت، از سه آزمون آماری تحلیل کوواریانس تک‌متغیری استفاده شد که نتایج هر یک در جدول ۲ آمده است.

براساس نتایج جدول ۲، گروه اثر معناداری بر نمرات پس‌آزمون سلطه‌گری (p<۰/۰۰۱) و وابستگی شدید (p<۰/۰۰۱) و سهل‌انگاری (p<۰/۰۰۱) داشته است. باتوجه به مجذور اتا می‌توان بیان کرد به‌ترتیب ۵۹ و ۶۱ و ۶۵درصد تغییرات هریک از متغیرهای سلطه‌گری و وابستگی شدید و سهل‌انگاری از شرکت آزمودنی‌ها در برنامهٔ آموزش فرزندپروری ناشی می‌شود.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای سلطه‌گری و وابستگی شدید و سهل‌انگاری در مراحل پیش‌آزمون و پس‌آزمون به‌تفکیک دو گروه آزمایش و کنترل به‌همراه نتایج آنالیز کوواریانس

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		مقایسهٔ پس‌آزمون		
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	مقدار p	مجذور اتا
سلطه‌گری	آزمایش	۲۷/۱۳	۱/۶۸	۱۹/۴۵	۱/۰۶	۱۱/۱۸	<۰/۰۰۱	۰/۵۹
	گواه	۲۷/۵۷	۱/۷۲	۲۷/۴۹	۱/۱۲			
وابستگی شدید	آزمایش	۲۸/۴۳	۱/۱۳	۱۸/۲۰	۱/۲۸	۱۵/۲۲	<۰/۰۰۱	۰/۶۱
	گواه	۲۸/۰۶	۰/۶۸	۲۷/۵۱	۰/۷۲			
سهل‌انگاری	آزمایش	۱۸/۶۸	۱/۷۰	۲۶/۳۲	۱/۳۶	۱۶/۹۴	<۰/۰۰۱	۰/۶۵
	گواه	۱۷/۹۷	۱/۷۶	۱۸/۲۰	۱/۲۱			

۴ بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی انجام شد. یافته‌ها حاکی‌از آن بود که آموزش برنامهٔ فرزندپروری بر نگرش والدین کودکان دارای ناتوانی هوشی اثر مثبت و معناداری دارد. این یافته با نتایج پژوهش چراغی و همکاران مبنی‌بر تأثیر آموزش نقش والدی بر نگرش مادران دارای کودکان یک تا پنج‌ساله (۱۴)، مطالعهٔ برزنجه عطری و همکاران درخصوص تأثیر مداخلهٔ آموزشی بر نگرش و رفتار مراقبتی مراقبان (۱۷)، پژوهش عاشوری و همکاران در زمینهٔ اثربخشی برنامهٔ فرزندپروری مثبت بر سلامت روان مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی (۲۰)، مطالعهٔ وبستراستراتون و رید مبنی‌بر اثربخشی برنامهٔ فرزندپروری بر مشکلات رفتاری و تعامل و نگرش بهتر والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای (۵) و پژوهش پالوسیسی و همکاران درخصوص استفاده از برنامهٔ آموزشی فرزندپروری جهت ارتقا و بهبود و اصلاح نگرش والدین (۸) همخوانی دارد.

به‌منظور تبیین این یافتهٔ پژوهش می‌توان عنوان کرد که والدین کودکان دارای ناتوانی هوشی با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبه‌رو هستند و حجم زیادی از محرک‌های آزاردهنده، روح و روان این گروه از والدین را آزرده‌خاطر می‌سازد؛ بنابراین با اتخاذ تدابیر و سیاست‌گذاری در سطح خرد و کلان باید به‌گونه‌ای عمل کرد که از شدت این تنش‌ها کاسته شود (۲). ازآنجاکه نگرش‌ها، رفتار را هدایت می‌کنند، نگرش والدین به سوءرفتار با کودک نیز از عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ آن است؛ بنابراین آموزش مهارت‌های والدی و فرزندپروری به والدین در پیشگیری و کاهش سوءرفتار با کودک نقش اساسی دارد (۱۹).

از سوی دیگر، برنامهٔ فرزندپروری با افزایش دانش، مهارت، اعتمادبه‌نفس، خودکارآمدی و خوش‌فکری در والدین در تربیت کودک و ارائهٔ رویکردهایی نظیر حل مسئله و ایجاد محیطی با حداقل تعارض برای کودکان باعث افزایش کارآمدی رفتاری و عاطفی و اجتماعی در والدین و فرزندان می‌شود. برنامهٔ فرزندپروری موقعیتی را ایجاد می‌کند تا والدین در جلسه‌های گروهی حضور یابند و در حین برنامه‌ای ساختاریافته به‌صورت آزادانه به بیان مسائل و چالش‌هایی بپردازند که با آن مواجه هستند (۷). برخی از عوامل مؤثر در نگرش منفی افراد جامعه دربارهٔ دانش‌آموزان استثنایی عبارت است از: فقدان آموزش و پرورش صحیح؛ ناآگاهی از توانایی‌های این افراد؛ نبود آموزش مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی؛ بی‌توجهی به نیازهای ویژه؛ برچسب‌گذاری؛ واکنش‌های طردآمیز؛ جداسازی آموزشی و اجتماعی (۱۸). بروز رفتارهای نامناسب در کودک دارای ناتوانی هوشی و مشکلات مربوط به روابط والد و کودک منجربه ایجاد نگرش نامناسب در والدین کودک دارای ناتوانی هوشی می‌شود؛ درحالی‌که برنامهٔ فرزندپروری مثبت بر حضور و مشارکت فعال والدین و روابط مثبت بین والد و کودک تأکید دارد. همچنین، برای والدین ازطریق برنامهٔ فرزندپروری، فرصت تجربه‌کردن مهارت‌ها و هیجان‌های مختلف فراهم می‌شود. به بیان صریح‌تر، برنامهٔ فرزندپروری نوعی بستر روانی و اجتماعی مناسب را در خانواده برای والدین و فرزندان مهیا می‌سازد که به بهبود نگرش والدین کمک می‌کند. درحقیقت این برنامه نوعی برنامهٔ آموزش والدین است که بر خودکارآمدی والدین در مدیریت و کنترل رفتار تأکید دارد و ازطریق آموزش والدین درجهت ارتقا تحول کودک، دستیابی به حس شایستگی اجتماعی و خویشتنداری را در والدین هموار می‌سازد (۱۰). ایجاد رابطهٔ مثبت و متعهدانهٔ والدین درقبال فرزندشان‌که در برنامهٔ فرزندپروری دارای اهمیت ویژه‌ای است، باعث افزایش توان‌مندی والدین می‌شود و در توجه آن‌ها به ویژگی‌های خاص فرزندشان تأثیر به‌سزایی دارد؛ همین امر موجب کاهش سلطه‌گری و وابستگی شدید و سهل‌انگاری و درنهایت بهبود نگرش مادران می‌شود؛ بنابراین غیرطبیعی نیست که وقتی چنین برنامهٔ نظامدار و ساختاریافته و هدف‌مندی اجرا شود، آگاهی والدین دربارهٔ توانایی کودک دارای ناتوانی هوشی بیشتر شده و نگرش مثبت در والدین افزایش یابد.

پژوهش حاضر دربارهٔ مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی ۶تا۸ساله بود و با استفاده از ابزار خاصی برای ارزیابی نگرش مادران کودکان با ناتوانی هوشی انجام شد که باید در تعمیم نتایج احتیاط شود. در این پژوهش وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین تحت بررسی قرار نگرفت، حجم نمونه کم بود و همچنین آزمون پیگیری انجام نشد که این‌ها از محدودیت‌های پژوهش حاضر بودند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

در مطالعات آتی سن فرزندان و وضعیت اجتماعی و اقتصادی والدین مدنظر قرار گیرد و پژوهش‌های آتی با حجم نمونهٔ بیشتر و اجرای آزمون پیگیری انجام پذیرد؛ همچنین توصیه می‌شود برنامهٔ فرزندپروری برای سایر کودکان استثنایی با دامنهٔ سنی متفاوت اجرا شود و تأثیر عوامل احتمالی دیگر بررسی گردد.

۵ نتیجه‌گیری

درمجموع نتایج پژوهش حاضر حاکی‌از آن بود که آموزش برنامهٔ فرزندپروری در بهبود نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی مؤثر است؛ آموزش برنامهٔ فرزندپروری سبب می‌شود تا والدین راهبردهای مواجهه با مشکلات خود را به‌گونه‌ای عملیاتی و کاربردی فرا گرفته و تمرین خواهند کرد از چنین راهبردهایی در موقعیت‌های چالش‌برانگیز زندگی روزمرهٔ خود بهره ببرند. طی این برنامه والدین به‌عنوان مربی به‌خوبی با نقش خود آشنا می‌شوند و به‌طور منطقی می‌اندیشند؛ به‌طورکلی می‌توان گفت برنامهٔ فرزندپروری مداخله‌ای سودمند و مفید است که در نگرش مادران کودکان دارای ناتوانی هوشی نقش حساس و مهمی دارد.

۶ تشکر و قدردانی

از والدین کودکان دارای ناتوانی هوشی که در این پژوهش مشارکت داشتند، کمال تقدیر و تشکر را داریم. همچنین از مدیریت محترم آموزش‌وپرورش استثنایی شهر تهران و همهٔ عزیزانی که در این پژوهش ما را یاری کردند، سپاسگزاری می‌کنیم.

۷ بیانیه

این مقاله برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران با کد ۳۹۴۰۶۰۲ است که مجوز آن از آموزش‌وپرورش استثنایی شهر تهران به تاریخ ۱۶ دی۱۳۹۷ گرفته شد.

References

1. Hallahan DP, Kauffman JM, Pullen PC. Exceptional Learners: An Introduction to Special Education. 12th ed. Boston: Pearson Education; 2018.
2. Ruane Ai, Carr A. Systematic Review and Meta-analysis of Stepping Stones Triple P for Parents of Children with Disabilities. Fam Process. 2019;58(1):232–46. doi: 10.1111/famp.12352
3. Behrooz Sarcheshme S, Ashori M, Ansari Shahidi M. The effect of cognitive training on the attention rate and working memory in children with attention deficit / hyperactivity disorder. Empowering Exceptional Children. 2017;8(1):6–15. [Persian] http://www.ceciranj.ir/article_63533_7057522a3dd5da7a72adf3ba302e4a48.pdf
4. Bulgan G, Çiftçi A. psychological adaptation, marital satisfaction, and academic self-efficacy of international students. Journal of International Students. 2017;7(3):687–702.
5. Webester–Stratton C, Reid J. The Incredible Years Parents, Teachers and Children Training Series: A Multifaceted Treatment Appreoach for Young Children with Conduct Problems. In: Weisz JR, Kazdin AE, editors. Evidence-based psychotherapies for children and adolescents. Third edition. New York: The Guilford Press; 2017, p:129.
6. Esbjørn BH, Normann N, Christiansen BM, Reinholdt-Dunne ML. The efficacy of group metacognitive therapy for children (MCT-c) with generalized anxiety disorder: An open trial. J Anxiety Disord. 2018;53:16–21. doi: 10.1016/j.janxdis.2017.11.002
7. Taheri F, Arjmandnia AA, Afrooz GA. Effectiveness of positive parenting program training on relationship between parents and their slow-paced child. Empowering Exceptional Children. 2018;9(3):111–21. [Persian] doi: 10.22034/ceciranj.2018.82265
8. Palusci VJ, Crum P, Bliss R, Bavolek SJ. Changes in parenting attitudes and knowledge among inmates and other at-risk populations after a family nurturing program. Children and Youth Services Review. 2008;30(1):79–89. doi: 10.1016/j.childyouth.2007.06.006
9. Bigby C, Craig D. A case study of an intentional friendship between a volunteer and adult with severe intellectual disability: “My life is a lot richer!” Journal of Intellectual & Developmental Disability. 2017;42(2):180–9. doi: 10.3109/13668250.2016.1219701
10. Spijkers W, Jansen DE, Reijneveld SA. Effectiveness of Primary Care Triple P on child psychosocial problems in preventive child healthcare: a randomized controlled trial. BMC Med. 2013;11:240. doi: 10.1186/1741-7015-11-240
11. Mahmoudi N, Mosavi R, Ghobari Bonab B. Effectiveness of parent-child relationship-oriented group interventions on symptoms reduction among 6-11 years old children with attention-deficit/hyperactivity disorder. Empowering Exceptional Children. 2018;9(2):65–74. [Persian] doi: 10.22034/ceciranj.2018.77390
12. Ashori M, Afrooz GHA, Arjmandnia AA, Pormohammadreza-Tajrishi M, Ghobari-Bonab B. The Effectiveness of Positive Parenting Program (Triple-P) on parental self-efficacy and mother-child interaction in childeren suffering from intellectual disability. SSU_Journals. 2015;23(5):489–500. [Persian] http://jssu.ssu.ac.ir/article-1-3117-en.pdf

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]
[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]

13. Sotoudeh Navroodi SO, Nicknam M, Ahmadi A, Roodbarde FP, Azami S. Examining the Effectiveness of Group Positive Parenting Training on Increasing Hope and Life Satisfaction in Mothers of Children with Autism. Iran J Psychiatry. 2018;13(2):128–34.
14. Cheraghi F, Rostaie Z, Asgari M, Shamsaei F, Tapak L. The effect of training of parental role on mothers' attitude with children aged 1-5 years with respect to children' abuse. Iranian Journal of Health Education and Health Promotion. 2017;5(3):182–90. [Persian] doi: 10.30699/acadpub.ijhehp.5.3.182
15. Tellegen CL, Sanders MR. A randomized controlled trial evaluating a brief parenting program with children with autism spectrum disorders. J Consult Clin Psychol. 2014;82(6):1193–200. doi: 10.1037/a0037246
16. Arjmandnia AA, Ashoori M, Jalil Abkenar S. Comprehensive view to positive parenting program: principle, goals, levels and content. Rooyesh-e- Ravanshenasi Journal(RRJ). 2017;6(2):35–52. [Persian] http://frooyesh.ir/article-1-199-en.pdf
17. Barzajhe Atri S, Abdollahi H, Arshadi Bostanabad M, Asghari Jafarabadi M. The effect of educational intervention on the attitudes and behaviors of family caregivers caring for children with intellectual disability. Journal of Nursing Education. 2015;3(4):1–10. [Persian] http://jne.ir/article-1-408-en.pdf
18. Hashemi Malekshah S. The Effectiveness of Adlerian Parent Training on Change of parenting styles of parents with Children Suffering from Attention- Deficit/ Hyperactivity Disorder. Psychology of Exceptional Individuals. 2017;7(27):135–59. [Persian] doi: 10.22054/jpe.2018.21922.1563
19. Yusuf Ö, Gonka Ö, Pekcanlar Aynur A. The effects of the triple P-positive parenting programme on parenting, family functioning and symptoms of attention-deficit/hyperactivity disorder. A randomized controlled trial. Psychiatry and Clinical Psychopharmacology. 2019;29(4):665–73. doi: 10.1080/24750573.2018.1542189
20. Ashori M, Norouzi G, Jalil-Abkenar SS. The effect of positive parenting program on mental health in mothers of children with intellectual disability. J Intellect Disabil. 2019;23(3):385–96. doi: 10.1177/1744629518824899
21. Shoben Jr. EJ. The assessment of parental attitudes in relation to child adjustment. Genetic Psychology Monographs. 1949;39:101–48.
22. Ahmadi A, Motlagh M, Abdi HM, Shokri E, Hosseinzadeh A, Amini A. Investigating the relationship between the parents' child rearing attitudes and the students' creativity at female and male exceptional talents secondary schools in Lorestan province during the school year 2010–11. Australian Journal of Basic and Applied Sciences. 2012;6:27–30.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-09]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1399.10.0.103.2]